



## امنیت ملی در سال ۱۳۹۷

تصور کنید اکنون پائیز ۱۳۹۷ است. اگر از امروز بخواهیم برای بیست سال آینده برنامه ریزی کنیم، چه نکات و عناصری را باید مورد توجه قرار دهیم؟ چگونه می توان به موقعیت منطقه ای معتبرتر، شکوفایی اقتصادی قابل اتکاء، هویت آسیب ناپذیر فرهنگی، امنیت ملی قاعده مند و استقلال سیاسی پایدار دست یافت؟ برای آنکه هریک از پدران و مادران جامعه ما بتوانند یک برنامه ریزی منسجم در زمینه های مختلف تربیتی، علمی، اخلاقی، هنری و اجتماعی برای فرزندان خود طراحی کنند و احساس کنند که مرحله به مرحله آنها را از سنین ده سالگی به هجده سالگی با برنامه، طرح و اصلاح و تربیت هدایت کنند، نیرو، عقل، درایت، آینده نگری، صبر و امکانات فراوانی می طلبد. حال تصور کنید که برای یک جامعه صد میلیونی قابل پیش بینی در سال ۱۳۹۷ بخواهیم طراحی، برنامه ریزی و آینده نگری کنیم. چه گروهی از متخصصین، برنامه ریزان و طراحان و با چه خصوصیات عقلی، اخلاقی و شخصیتی باید به چنین نیازهایی در آینده با سطح عقل و محاسبه گری امروز خود پاسخ گویند؟ طبیعی است طراحی های گوناگونی برای دستیابی به چنین مقصودی قابل تصور است. آنچه را که در حد مقدمات می توان به عنوان یک دیدگاه مطرح

نمود در زیر می آوریم. یکی از نکات کلیدی در فرآیند اولیه روشی برای طراحی های آینده، «فهم و استنباط مشترک نخبگان سیاسی کشور از تحولات منطقه ای و بین المللی» است. این استنباط مشترک که می توان آن را نوعی اجماع کلان تلقی کرد، به دقتی تر کردن برآوردها، تنظیم اولویت بندیها، قاعده مند کردن سیاستها و موضع گیریها و ثبات رفتاری می انجامد. بحث سنتی در مملکت داری پیوسته پیرامون ایجاد توازن میان نان و امنیت بوده است. به نظر می رسد در شرایطی می توان این توازن را ایجاد کرد که برداشتهای نسبتاً دقیقی از وضعیت فعلی و همچنین حدود و ثغور مطلوبیتها در آینده داشت. در اطراف کشور ما، دو تحول جدید در حال شکل گیری است که می تواند اثرات قابل توجهی بر آینده ما، امنیت ملی ما و برنامه ریزیهای دو دهه آینده داشته باشد. ابتدا، چرخش بسیاری از کشورها مانند مصر، عربستان، ترکیه و پاکستان به تأمین امنیت ملی از طریق همکاریهای گسترده و ائتلافهای محتمل است. چندین کانون در این قالب در حال شکل گیری است: الف) عربستان، امارات، پاکستان و افغانستان؛ ب) عربستان و ایران؛ ج) ترکیه، اردن، اسرائیل؛ د) عربستان، ایران، مصر و سوریه و ه) ترکیه، اسرائیل و جمهوری آذربایجان. کشورهای منطقه خاورمیانه بنا به افزایش هزینه های دفاعی، افزایش نیازهای اقتصادی عامه مردم و بعضاً بحران مشروعیت وارد مرحله جدیدی از ائتلافهای گوناگون شده اند تا امنیت خود را به امنیت دیگران قفل کنند. بجز اسرائیل که اهداف خاصی را به عنوان متحد آمریکا در منطقه دنبال می کند، بقیه کشورها در پی افزایش قدرت چانه زنی سیاسی و امنیتی خود می باشند. خاورمیانه شاید برای اولین بار در دوران پس از جنگ جهانی دوم وارد عرصه اولیه ائتلاف صرف سیاسی و امنیتی شده است.

این در حالی است که بسیاری از این کشورها، اختلافها و تضادهای جدی با یکدیگر دارند. مشکلات فرآیند صلح میان اسرائیل و فلسطینیها، همکاری

استراتژیک میان اسرائیل و ترکیه، قدری خلاء قدرت بین المللی در منطقه و نوآوریهای دیپلماسی ایران، زمینه های ظهور ائتلاف گرایی در خاورمیانه می باشند. این ائتلافها و ائتلافهای متعدد محتمل در آینده، آرایش جدیدی از قدرت سیاسی و توازن قوا در خاورمیانه بوجود خواهد آورد.

تحول دوم، گرایش جدید بین المللی به بهره برداری از منابع متمرکز انرژی در شمال و جنوب ایران است. علاقه جدید کشورهای غربی در ایجاد ارتباط با جمهوری اسلامی ایران تحت تأثیر این تحول دوم می باشد. موقعیت خاص ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک ایران، منطقی را ایجاد می کند که در راستای منافع تأمین انرژی بسیاری از کشورهاست. نوع بهره برداری اقتصادی از این موقعیت جدید، ضمن حفظ استقلال، کشور در کانون برنامه ریزیهای داخلی و دیپلماسی منطقه ای ما خواهد بود. توازن میان اولویتهای داخلی و خارجی، ملاک مهمی در برنامه ریزیهای بیست سال آینده خواهد بود. با توجه به اینکه یک سوم جمعیت کشور زیر بیست سال هستند و هم اکنون سالانه حدود هفتصد هزار نفر وارد بازار کار می شوند، بیمه کردن آینده این نسل که باید حامل ارزشها، سنتها و نوآوریها باشد، تابع نوعی ثبات سیاسی و فکری است که در توازن فوق الذکر قابل جستجو خواهد بود. طراحی های سیاست خارجی و تعیین اولویتهای کشوری و موضوعی و شیوه اجرای سیاست خارجی کم اهمیت تر از محتوا و نتیجه گیری برنامه توسعه یافتگی کشور نیست.

همکاری با دنیای عرب بخصوص مصر و عربستان که هم سطح جمهوری اسلامی ایران هستند برای تأمین منافع ملی، ائتلافهای محتمل منطقه ای و رفع نگرانیهای امنیتی متقابل و ایجاد یک قطب متقابل سیاسی در برابر همکاریهای ترکیه و اسرائیل از اهمیت خاصی برخوردار است. توسعه اقتصادی در داخل محتاج تقلیل نگرانیهای امنیتی از بیرون است. بنابراین، دیپلماسی حضور در منطقه از طریق تحکیم ائتلافها مؤثر خواهد بود.

بهره برداریهای بیشتر از قدرت نرم ارتباطات و فعالیتهای فرهنگی در برابر قدرت سخت نظامی نیز از ابزاری می باشند که به جایگاه فرهنگی ایران در منطقه خاورمیانه کمک خواهند کرد. اعتبار سازی و اعتماد سازی در دیپلماسی و روابط اقتصادی خارجی ما نیز هموار کننده توازن اهداف داخلی و خارجی خواهد بود.

در تاریخ توسعه، یک نکته اساسی از برجستگی خاصی برخوردار است: کشورهای پیشرفت کرده اند که از نظر سیاست داخلی یکپارچه بوده اند؛ کشورهای میان توسعه اقتصادی و امنیت ملی توازن برقرار کرده اند، که از فرآیند تصمیم گیری روشن، دقیق و کارآمد بهره مند بوده اند. یکپارچگی به معنای اجماع فکری و کارآمدی رویه های تصمیم گیری می باشد. با توجه به سرمایه عظیمی که کشور ما در استقلال سیاسی در اختیار دارد، قاعده مندتر کردن سیاست داخلی و نظام تصمیم گیری داخلی در دستیابی به اهداف دراز مدت و آینده ای مطمئن در بیست سال بعدی، استقلال سیاسی را مستحکم و نهادینه تر خواهد نمود. مهمترین مظهر عقلی نخبگان سیاسی اینست که نگران قضاوت تاریخ باشند. نخبگان سیاسی قاعده مند و سیر که از دایره مباحث فلسفی عبور کرده و وارد عرصه تفکر حل المسائل شده باشند، توان فعلیت بخشیدن به اهداف فوق را خواهند داشت. افزایش گستره تحمل فکری، هنر دستیابی به اجماع نظر و محصور کردن تمایلات پوپولیستی، فرآیند اجرای مقاصد بیست سال آینده را با توجه به پیچیدگیهای ظرف جهانی تسهیل خواهند نمود. امنیت ملی و توسعه اقتصادی دوروی یک سکه اند که با دیپلماسی قوی و نظام سیاسی اجماع گونه، ثبات زندگی نسل آینده را که امروز بر روی قریب بر نوزده میلیون صندلی در دبستانها، مدارس راهنمایی و دبیرستانها نشسته اند، به ارمغان خواهد آورد. □

سر دبیر